

### متن پرسش

سلام بر اساس برهان فارابی که می فرمایید هر مابالعرض به ماب الذات ختم میشود حالا ان قلت: پس شیطان هم وجود است این شیطان از آن شیطان شیطان تر است پس به شیطان کل که همان ابلیس است ختم می شود به این افراد با این تفکر چه پاسخی باید داده شود؟ سوال دوم قبول دارید حضوری کردن انسان چقدر سخت است چه تمرین هایی در این خصوص که انسان حضوری شود سراغ دارید در رساله ولایت علامه طباطبایی می فرماید به عدد یک فکر کن و سعی کن هیچ چیزی در آن موقع به آن فکر نکنی دیگر چه باید کرد.؟ سوال سوم استاد ارجمند دسترسی ما به شما از طریق ۱۵ تا دی وی دی است که به تهران رسیده است که به نظر می رسد برای چندین سال قبل است خواهشی که دارم سایر دی وی دی ها را توزیع فرمایید سوال چهارم کسانی را می شناسم که پیگیر تفکرات آقای طاهری هستند که الان در زندان اوین است در یک کلام زندگی را به صورت یک چرخه می بیند که کسی که در این چرخه دنیا می افتد در سوال خداوند جواب می دهد من نمی گوید من با خدا خدا هستم حتی ائمه اطهار را اینگونه می بیند و این تفکر را ندارد که این سروران دائم الفیض هستند چه کارکنیم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- سخن مرحوم فارابی نظر به چیزهایی دارد که وجودی اند، آری اگر موجودی هست که وجودش ذاتی اش نیست وجودش به وجودی برمی گردد که وجود برای آن ذاتی است ولی موضوعات اعتباری و یا معدومات که وجودی نیستند که اگر وجودشان بالعرض است به وجودی برگردد که وجود برای آن ذاتی باشد. وجود شیطان مثل وجود هر موجودی به عین وجود برمی گردد ولی شیطنت شیطان به جهت انقطاع از حق است و جنبه‌ی وجودی در میان نیست ۲- بنده یادم نیست که علامه چه می فرمایند ولی فکر می کنم می خواهند از جنبه‌ی نسبت ها و اعتباریات به جنبه‌ی وجودی منتقل شویم ۳- فرمایش شما را به مسئول محترم گروه فرهنگی المیزان عرض خواهم کرد ۴- به این افراد باید متذکر شد فرق خرافه با عقیده‌ی صحیح آن است که عقیده‌ی صحیح بر مبنای استدلال عقلی و یا بر مبنای سخن شریعت و سخن امامان معصوم است که از طریق علماء دین به ما می رسد وگرنه با خیالات و احساسات خود زندگی کرده ایم، حال آن افراد مبنای این سخنانشان کجا است؟ آیا می توانند بگویند ما این طور احساس می کنیم؟ مگر همه‌ی خرافه گراها همین را نمی گویند؟ موفق باشید